

## ابهام در بیانیه منتسب به

### اعلیحضرت

امیرفیض- حقوقدان

بیانیه، در واقع ختم کلام و رفع تردید در کسب حاصل است، و به همین دلیل نیازی به روشنی کلام و معنا دارد که فصل تردید را مسدود و باب آگاهی و استنباط را بگشاید.

بیانیه منتسب به اعلیحضرت حاوی ابهاماتی است که بیانیه بوجود آورنده آن است یعنی قبل از بیانیه وجود نداشته است و بیانیه آنها را حمل و به میان مردم پراکنده است؛ و این در شرائطی است که ما مردم به هیچوجه و یا حداقل بسیار کم، درگفتن نمی فهمم و یا نمیدانم اغماض میکنیم و تهیه کنندگان بیانیه ها هم که به این ضعف عادت می ما آگاه هستند بیانیه ها را طوری تنظیم میکنند که از بیانیه ها چیز قابل دستگیر شنونده ها نشود و درک نکنند و فقط قانع باشند که بیانیه ای را خوانده اند (ارایه سیاستهای راهبردی کلان - نمودارسازی نقشه راه.....) نمونه عباراتی است که فهم آن برای همگان آشنا نیست و حتی نمیشود درست خواند - شهرام همایون هم با تمام ادعا نتوانست آنها را درست بخواند و تپیق زد.

#### طرفین بیانیه

برخلاف بیانیه های سابق اعلیحضرت که خطاب به ملت ایران است، بیانیه مزبور هم ملت ایران و هم شورای تجزیه طلبان را طرف قرارداد استریال که این تحریر سعی دارد به مواضع طرفین بیانیه نگاهی تحقیقی داشته باشد.

#### بخش نوید بخشی

❖ در قسمت نخست بیانیه، تحولات منطقه ای در رابطه با تروریسم و وضع نابسامانی جمهوری اسلامی نوید بخش تغییرات بنیادی ملت ایران شناخته شده است.

این فرازب یانیه؛ <تصدیق بلامصدق> است، مبارزه ایرانیان علیه جمهوری اسلامی مبارزه هوایی نیست که هر تغییراتی را مبارزه، بفال نیک گرفته و از آن استقبال کند و یا هر تغییری را بنیادی تلقی کند. نابسامانی وضع فرقه تبهکار و از سونی تحولات منطقه در حالیکه مخالفان جمهوری اسلامی در نقطه صفر تشکیلاتی و رهبری قراردادارند نمیتواند، تحولات را بسود منافع ملی و تاریخی ایران هدایت کند.

❖ تصدیق بلامصدقی که بنام اعلیحضرت در این بیانیه آمده در باغ سبز ویا روکشی است که از هم اکنون بر اقدامات تجاوزکارانه بیگانگان بر ایران کشیده شده است، و نقش ستون پنجم آمریکا (جنبش سبز و اصلاح طلبان) نقش بنیادی و عنوان سیاسی تلقی گردیده.

ناگفته نماند که چنین تصدیق کردنی بی سابقه نیست، ایرانیانی در لس آنجلس نوشتند و تبلیغ کردند که آمریکا برای ایرانیان رفاه و آزادی خواهند آورد و ایرانیان هم با درک این مهم آماده پذیرائی از سربازان آمریکائی در جنگ احتمالی آمریکا و ایران هستند.

## هر گری گردو نیست

❖ <هرگردونی گرد هست، ولی هر گردی گردو نیست> هرتحولی موجد دگرگونی هست، ولی هر دگرگونی تغییرات بنیادی محسوب نمیشود و ایرانیها از هرتحولی استقبال نمیکند. هر تحولی که با هویت ملی و سنت تاریخی آنها و نص مقرر در قانون اساسی مشروطیت همخوانی مطلق نداشته باشد، نه تنها برای آنها تغییرات بنیادی شناخته نمیشود بلکه اساسا و منطقا تغییرات بنیادی هم شناخته نمیشود.

اینها سخن امروز ما نیست، اقتباس از منشور ماست که درسنگر ۲۵ مهرماه سال ۵۹ بشماره ۴۶ ثبت و ضبط است و همواره مبارزه سلطنت طلبان با قائمه های استوار آن حرکت داشته است.

## نرخ گذاری میان دعوا

❖ بیانیه، درحالیکه به مقصد تعیین تکلیف مقام ریاست شورا به حرکت درآمده، به رویداد خرداد ۸۸ که بنا بر اعلام شخصیت های آمریکایی و اسرائیلی و اسناد سیاسی مبارزه تظاهرکنندگان به نیابت بیگانگان در خیابان های تهران فعال بودند و مهر نوکری آمریکا و اسرائیل سخت ریشه آنها را به بیگانه پرستی گره زده است، غسل تعمید داده و به آن اعتبار ملی داده است و این سنگین ترین اتهام و کلاه سازی در بیانیه مزبور است.

## آب در کوزه و ما تشنه لبان مگر دیم

❖ هم اکنون رئیس جمهور جمهوری اسلامی، وزیر خارجه، هیئت دولت، نمایندگان مجلس اسلامی، انبوه جراید داخلی و ایرانیان خارج از کشور از طیف جنبش سبز و اصلاح طلبان است یعنی تغییرات بنیادی مورد نظر بیانیه، در اوضاع سیاسی و اداری ایران رسوب یافته است و لااقل دو دولت ۴ ساله بر آن اشراف و تصدی دارد؛ بقول معروف <دیگر چه میخواهید؟> مگر تحولات بنیادی مورد نظر بیانیه غیر این است؟ میگویند انتخابات آزاد نبوده؟

اولا خانم جهانگیر گزارشگر سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، از انتخابات ریاست جمهوری اخیر ایران تمجید کرده است؛ یعنی هدف نهانی شورای تجزیه طلبان که انتخابات آزاد است برآورده شده است و دیگر دکاتی بنام انتخابات آزاد دکان اضافی است، و دوم اینکه آزاد نبوده و یا بوده که نتیجه انتخابات بسود جنبش سبز و اصلاح طلبان است که رئیس همین شورای تجزیه طلبان اولین سنگر حمایت از آنها بود و عبارت <هر که میخواهد از روی جنبش سبز رد شود اول باید از روی من رد شود> عبارت پیوندتان مبارک باد است.

## هزینه مبارزه

❖ بیانیه، متمرکز است بر تعلق کمترین هزینه به مبارزه تا <با کمترین هزینه به سوی آزادی و حاکمیت مردم بر مردم گذر کنیم>.

❖ یکی از بی معنا ترین و حتی فکاهی ترین عباراتی که در فرهنگ مبارزه ایرانیان خارج از کشور رسوخ کرده همین عبارت <کمترین هزینه است> چگونه میتوان هزینه مبارزه را پیش بینی و آنرا اندازه گیری کرد تا به کمترین آنها رسید؟ اصلا معیار هزینه مبارزه چیست که ملاک سنجش قرار گیرد؟ بیشترین هزینه چیست و کجاست که مبارز به سراغ کمترین آنها برود؟

مبارزه لحظه است تابخواهید به ترازو و ابزار اندازه گیری و تطبیق با معیارهای واهی رجوع کنید لحظه ها سپری شده > و ماهنوز در اول وصف تومانده ایم<.

- ❖ کمترین و بیشترین هزینه مبارزه، تعارف و الفاظ است؛ مبارزه واجد یک هدف است برای رسیدن به هدف هزینه مطرح نیست ساختمان نیست که بودجه آن متناسب با نقشه ساختمان باشد و یا برعکس ارتباط هزینه با اقدامات متقابل دشمن است. هر قدر مقاومت و سرسختی دشمن زیاد باشد، هزینه خرد کردن آن قهرا و طبیعتا بیشتر است؛ درست مانند یک دیوار و یا یک سنگری که مقاوم است برای شکستن آن خرج زیادی لازم است.<sup>۱</sup>
- ❖ نمیشود کسی که سالهای سال از رهبری قانونی و معنوی مبارزه مستکف بوده و تاکید داشته اند که «هرچه اصرار کنید نه رهبری میکنم و نه کسی را انتخاب میکنم» یکباره فرمان رعایت هزینه مبارزه را بدهد، اینها متضاد است و ایجاد رسوب اجرایی ندارد و در این حالت تضاد است که اصلح کناره گیری از مبارزه انتخاب میشود.

### گلوله توپ برای گنجشک

- ❖ معلوم است که کسی برای یک گنجشک گلوله توپ بکار نمیبرد، ولی برای یک شکار حتما چندین گلوله هم لازم باشد خرج میکند، اینها از بدیهیات مبارزه است. شرط وقید بر آنها جهل بر مجهول است، یعنی نه به بام است و نه به بوم، نه مبارزه ای شروع شده و نه کم و کیف آن معلوم است، و ما از هزینه های آن صحبت میکنیم.

این نرخ و شرط گذاریها معقول نیست، و از اسباب بازدارندگی مبارزه است و در واقع تصمیمات و این قبیل فرامین، چیزی است که در قالب قبول مبارزین قرار نمیگیرد. نمیشود به مبارزی که ۴۰ سال است در مقام آزار و شکنجه و از دست دادن عزیزانش بوده، گفت: <قالب از انتقام تهی کن و توکل بر خدا کن>.

- ❖ آنگاه اگر یک مبارز و یا سازمانی از شرکت در مبارزه به این ادعا که بنظر آن سازمان هزینه آن مبارزه زیاد بوده است، سرپا زند، چه ایرادی بر آن سازمان وارد است؟ و یا مدعی شود که ما نتوانستیم بفهمیم که هزینه مبارزه ما چقدر است چه میتوان به آنها گفت؟

ظاهرا باید به اعتبار بیاتیه یک ترازویی به گردن مبارزین آویزان شود که هرکاری که میخواهند بکنند، اول آنرا در ترازوی هزینه مبارزه برآورد کنند که زیاده از حدی که آن حد هم نامعلوم است نشود، درست تاسی بر برنامه خانم هانی که رژیم لاغری دارند، که هرچه میخورند باید از باب مقدار انرژی معلوم باشد، و یا آنرا برای ارزیابی به دفتر ناپیدای شورای تجزیه طلبان بفرستند که جواب آری یا نه بگیرند.

### حالت مبارزه

- ❖ مبارزه بی فرماندهی و بدون مانیفست یعنی حالتی که بر مبارزه ما حکومت اجباری دارد مبارزین در آن وضع، حالت اختیاری دارند نه الزامی، تنها در رابطه با ایدئولوژی است که خود را مقید میدانند.

۱- به دلیل تجربه در کار، اقرار میکنم که هزینه ساختمان با نقشه ساختمان یا تعمیر یک ساختمان هم قابل پیش بینی نیست، همواره مشکل و یا گرفتاری هایی در کار ساختمانی هم رخ میدهد که هزینه های اضافی را لازم میسازد و اگر آن هزینه ها انجام نشود کار به نتیجه نخواهد رسید. ح-ک

نمیشود مبارز را درحالت الزامی قرارداد ومانند بیاتیه دستورالعمل چگونگی مبارزه واندازه گیری هزینه های مبارزه را متوجه مبارز ساخت، این یک تحمیل است و مسلماً با مقاومت روبرو میگردد تحمیل کم وکیف مبارزه نیازی به مشروعیت دارد، نیازی به فرمادهی برخاسته از نص و سنت دارد و نیاز به مراتبی دارد که متاسفانه یک صدم آنهم درمبارزه ما وجود ندارد.

### تفاوت مبارز با سرباز صفر

مبارز سیاسی فرقی با سرباز صفر این است که مبارز، واجد شعور ودرک و وجدان است، در مقام تشبیه، میتوان گفت مانند قاضی است که بنابر تشخیص و اوضاع و احوال، متهمی را تبرئه و یا تعلیق مجازات و یا محکوم میکند، مبارز سیاسی خود یک فرمانده است که در قالب پیشبرد هدف مبارزه تصمیم میگیرد و همین برداشت و تصمیمات آنهاست که فرماندهی کل مبارزه را به تصمیماتی نزدیک میسازد که حاصل برداشت مبارزین است (کارشورانی)

### تکلیف هدایت

- ❖ دستورالعمل بیاتیه مبنی براینکه **تظاهرات اعتراضی درون کشور را آنچهان هدایت کنیم که از وقوع خشونت جلوگیری شود فرمان نشستن درخانه است،** و این بهترین راه برای جلوگیری از هر نوع خشونت است، آیا تعریف قاطع و سنجیده ای از خشونت در دست است و جمهوری اسلامی هم آنرا پذیرفته که برروال آن اقدام شود که بیاتیه رعایت آنرا سفارش کرده باشد؟
- ❖ آیا اگر یک مبارزی مدعی شود که نمیتواند آنچهان معترضین را هدایت کند که از وجود خشونت جلوگیری شود، و لذا از مبارزه کناره گیری کند، آیا ایرادی براو وارد است؟ گمان نمیکنم (خارج از حد تکلیف وارد نیست).
- ❖ اگر تظاهرات اعتراضی مردم به نقطه ای رسید که تظاهرکنندگان و بیستگان اعدام شدگان ۶۷ و همه این سالها، دستشان به قاتلین آن اعدام شدگان و یا جنایتکاران و غارتگران امروزی کشور رسید به اعتبار بیاتیه باید کفشهای آن قاتلین را هم جفت کنند و عذرخواهی هم بکنند که ببخشید بدون اجازه وارد شده ایم و احتمالاً کولی هم به آنها بدهیم که از بیاتیه عبور نشده باشد که اگر از بیاتیه عدول شود دیگر طرفدار ایشان نخواهند بود.

**چنین توقعی از مادر و خواهر و برادر و پدران اعدام شدگان از کیسه خلیفه بخشیدن و یا موعظه از منبر و جای گرم است (حقوق مدرن و نیز حقوق اسلامی هم این چنین توصیه هائی را در مورد شاکی خصوصی تجویز نمیکند).**

### گزینه جنگ

تکلیف و یا توصیه دیگری که متوجه ملت ایران شده رفتاری است جمعی که جامعه جهانی در سیاست گذاریهای خود از گزینه جنگ استفاده نکنند.

- ❖ تا آنجا که آگاهی عمومی است، در گذشته دور جنگها با هدف غارت صورت می گرفت (نمونه تاریخی آن جنگهای محمد) و یا تفوق و استیلای قومی بر قوم دیگر و امروزه جنگها باهدف استیلای بر منابع ثروت کشورها و یا راه های آبی و ارتباطی و استراتژیکی است و سازمان ملل هم نقش کنترل جنگها را برعهده دارد همین آقای ترامپ رفع مشکل اقتصادی آمریکا را

در دست اندازی برنفت عراق میداند؛ مردم عراق چه میتوانند بکنند که ترامپ از چشمداشت به نفت عراق چشم پوشی کند.

❖ توصیه مزبور که شمولی بر توصیه های پیامبرگونه دارد، نمیگوید ملت ۸۰ میلیونی گرفتار فشار اقتصادی و آزادی بیان چه کاری بکند، یا نکند، که جامعه بین المللی دوم (آمریکا و اقمارش) ایران را مانند عراق و سوریه نکنند وانگهی آن ملت عراق یا سوریه بودند که جنک را به کشور خود آوردند یا آمریکا؟ در سوریه ولیبی هم همینطور اخیرا وزیر خارجه انگلیس گفت: «برکناری قذافی از قدرت برای مردم لیبی یک فاجعه بود» مردم لیبی چه میتوانند بکنند درمقابل توطئه بین المللی حمله به لیبی.

**وقوع جنگ بین کشورها نتیجه اقدام دولت هاست نه ملت ها، ملت ها تنها خسارات جنگ را متحمل میشوند و اگر ملتی جنگ نمیخواهد، نمیتواند این نخواستن را به کشور خارجی تحمیل کند باید دولت کشورش را تغییر بدهد یعنی توصیه به ملت باید درشاهراه برچیدن بساط جمهوری اسلامی باشد که آنهم درتعهد مبارزه است که وجود ندارد.**

### تغییر شرائط

❖ بیانیه خطاب به هم میهنان؛ بعد از آنکه شمه ای از اوضاع نابسامان مردم ایران را بدرستی تشریح کرده از هم میهنان خواسته شده که شرائط ایران را به گونه ای تغییر دهند که بستری برای فرامسئلی باشد.

نخست این ابهام وجود دارد که پیام دهنده از کدام موقعیت قانونی و ملی مردم را خطاب قرار میدهد اهمیت این مورد، درتاثیرپیام، برگیرنده پیام است.

دوم تغییر اوضاع ایران یک کارمهم سیاسی است که نیازبه فرماتدهی وتشکیلات وامکانات دارد حواله کردن یک کارمهم آنهم به مردمی گرفتار نان شب ومتوحش از بازداشت چه تفسیری دارد؟

### غلو و ناباوری

❖ پیام از پیشرفت واقدامات سیاسی شورای تجزیه طلبان گزارشی داده است سراسر غلو آمیز و همراه با ناباوری از آن جمله است: «رویکرد چشمگیرشورای ملی ایران درعرصه جهانی وهدایت نیروهای درون مرزی به مرحله کنش راهکارهای کاربردی نمودارسازی شده وسیاست های کلان توسط دفترسیاسی وکمیسیون های وابسته به آن...»

**آنچه که بعنوان دستاورد فعالیت های شورا بیان شده ادعای نزدیک به بطلان ودروغ است؛ ذره ای از آنچه ذکرشده دیده نمیشود وکسانی که با شورا تماس بیشتری دارند اعلام کرده اند که اساسا شورایی وجود ندارد؛ و این اغواگری هاست که ملت را درخواب و خامی نگه میدارد و دشمن را درتاخت وتازی منازعه میسازد.**

## موقعیت اعلیحضرت

### ابهام بزرگ و حساس در موقعیت رئیس شورا است

عبارت بکارگرفته شده در بیانیه در خصوص موقعیت رئیس شورا چنین است:

**<گزینه دوباره سمت ریاست برای طرح سیاست های کلان نیازی نمیباشد>**

❖ عبارت مزبور برپایه **اظهار نظر بیان** شده است، یعنی رئیس شور احساس میکند که شورا دیگر به سمت ریاست نیازی ندارد. از آنجا که سمت ریاست مفوضه<sup>۲</sup> مجمع عمومی شورا است، طرف دیگر قضیه شورا است و ممکن است این بی نیازی که از سوی ریاست شورا احساس شده مورد تائید مجمع قرار بگیرد و یا نگیرد و در صورت دوم با درخواست و پافشاری شورا احساس بی نیازی رئیس شورا تبدیل به رعایت درخواست مجمع می شود و **اینجاست که میتوان گفت باید منتظر یک صحنه سازی تبلیغاتی بود** که به قهر سیاسی موسوم است و در تاریخ نظایر بسیار دارد از جمله؛ **<قهر سردارسپه در سال ۱۳۰۳ و عزیمت به رودهن>**.

### دست آورد این تحریر

❖ بیانیه نشان میدهد که اعلیحضرت پیوستگی و وفاداری خودشان را به شورا و ۱۷ ماده قطعنامه شورای تجزیه طلبان حفظ فرموده اند و از ظاهر بیانیه میتوان اینگونه استخراج مطلب کرد که چون بنظر رئیس شورا، شورا به حد رشد کافی سیاسی رسیده دیگر نیازی به سرپرستی ندارد و نظیر حقوقی آن در موردی است که طفلی به سن قانونی میرسد که دیگر نیازی به سرپرستی ندارد.

ولی از آنجا که کودک در یک قاعده مشخص حقوقی بی نیاز از سرپرست میشود و در مورد شورا این ضابطه وجود ندارد لذا احساس بی نیازی اعلیحضرت تنها با اعلام استعفا و کناره گیری میتواند مثبت و کار ساز شناخته شود **زیرا احساس، فعل نیست و هیچ آثاری هم بر آن مترتب نمیشد** و **علیرغم بیانیه مزبور مسئولیت های رئیس شورا کماکان به اعتبار خود باقی خواهد ماند هر چند ظاهر آن بر کناره گیری دلالت داشته باشد**.

۲- مفوضه [مُفَوِّ وِ ضَ] تفویض شده- و آگزار شده..... و از جمله فرقه ای از غلات شیعه که گویند خدا محمد را خلق کرد و سپس خلق دنیا را به او به تفویض نمود و محمد خالق دنیاست. و گفته شده است که محمد هم این کار را به علی تفویض کرد..... از فرق شیعه هستند که امور تکوینی<sup>۳</sup> عالم و مسائل تشریحیه را به حضرت رسول یا به یکی از ائمه مفاض می دانستند. یا کسانی که در مقابل جبریه انسان را مختار نفس خود می شمردند و در این مورد معانی فاسده<sup>۴</sup> تفویض به نفس، یعنی استقلال و استبداد و سلب قدرت از خداوند را در ملک خود اراده می کردند و جمعی از ایشان می گفتند که خداوند محمدین عبدالله را خلق کرد و تدبیر عالم را به او واگذاشت و واگذاری همین تدبیر است که عالم را بدون شرکت خداوند ایجاد کرده، سپس محمد تدبیر عالم را به حضرت علی تفویض کرده و علی مدبر ثالث است. مفوضیه . (از خاندان نوبختی برگ ۲۶۴) - ح- ک

## اصلاح ملک و ملت

صلاح اعلیحضرت و مبارزه بر آن است که:

احساسی را که اعلیحضرت نسبت به سمت خودشان در شورا یافته اند، آنرا به مسیر حساس تری که همان ماده ۱۱ است تسری دهند و در این فرصت مناسبی که اکنون بوجود آمده این بار کج را از قطعنامه شورا راست بفرمایند بیش از آنکه ان بار بیفتد و کاری از دست اعلیحضرت بر نیاید.

تاکه دستت میرسد کاری بکن      پیش از آنک کز تو نیاید هیچ کار